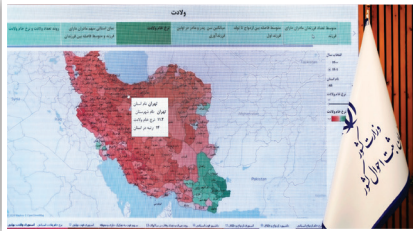


یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مرکز رصد جمعیت کشور، پایش جزءبه‌جزء داده‌ها و اطلاعات جمعیتی است. به‌عنوان مثال، آمارگیری مهاجران براساس نوع مهاجرت از روستا به شهر، شهر به روستا، شهر به شهر و کشور به کشور است. جدیدترین آمار در این ارتباط خبر از جمعیت ۸۳میلیون و ۵۰۰هزار ایرانی در داخل مرزهای کشور و حدود ۴میلیون ایرانی در خارج از مرزهای کشور می‌دهد. به‌عبارتی دیگر ۸۷میلیون و ۵۰۰هزار ایرانی داخل و خارج کشور، در کره زمین زندگی می‌کنند. از ابتدای سال نیز بیش از ۹۵۰هزار نوزاد با ولادتشان بر جمعیت کلی کشور افزوده‌اند که آمار آنها در استان تهران بیشترین و در استان سمنان، کمترین رتبه را کسب کرده است. در این میان پسران بیشتری نسبت به دختران متولد شده‌اند. در ادامه شاخص‌های مرتبط با فرزندآوری، شاخص میانگین سن مادران در نخستین باروری‌شان نیز بر مانیتر مرکز رصد جمعیت کشور بدین ترتیب نقش می‌بندد: میانگین سن مادران کشور در نخستین فرزندآوری ۲۷،۳سال و مردان ۳۲،۱سال است که استان تهران با ۳۰،۳سال بیشترین و استان‌های سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی با ۲۲سال کمترین رتبه‌ها را به‌خود اختصاص داده‌اند. تا به امروز هم استان تهران با ۱۰رویداد چندقلوزایی ر کورددار استان‌های کشور است. تاریک‌ترین آمار فعلی نیز به افزایش ۱۲درصدی فوت مردان نسبت به زنان اختصاص دارد!



در جست‌وجوی رزق

بهانه چرخاندن چرخ زندگی است و روی غلتک انداختن گذر از جاده ناهموار روزگار. حالا شما نامش را بگذار بازار محلی در فلان شهر شمالی یا تدارک یک بساط گسترده برای فروش محصولاتی که شاید برای ساکنان جذابیتهی نداشته باشد اما مسافران را

غافلگیر و خوشحال می‌کند. ردیابی عکس می‌رسد به شهر خمام و بازاری که گردانند گانش محلی‌های عموماً سن و سال‌دار هستند که می‌خواهند سفره‌شان خالی نماند و در جست‌وجوی رزق حلال هستند...

آمارت را دارم «ایران»

گزارشی از مرکز رصد جمعیت در سازمان ثبت احوال کشور

دغدغه سحر جعفریان روزنامه‌نگار

بحث جمعیت و ذیل آن، فرزندآوری و جوانی جمعیت یکی از داغ‌ترین و چالش‌برانگیزترین مباحث روز در محافل مختلف از دورهمی‌های خانوادگی تا جلسات دولتی است که سرشته‌اش را اگر دست بگیریم، می‌رسیم به سازمان ثبت احوال کشور؛ سازمانی عریض و طویلی که یکی از مهم‌ترین وظایفش، ثبت ۴رویداد و واقعه بزرگ زندگی همه افراد است؛ یعنی ثبت ولادت، ازدواج، طلاق و دور از جان وفات. پیشینه سازمان ثبت احوال به روایت تاریخ به حدود سال ۱۲۹۷خورشیدی، آن زمان که «داره سجل» بود در وزارت داخله، بازمی‌گردد؛ پیشینه‌ای بلندبالا که داستان سجل‌نامه‌های دست‌نویس، اوراق کاغذی هویتی و نخستین سرشماری‌های نفوس، صدور کارت‌های هوشمند ملی با آن تصاویر چالش‌برانگیز صاحبانشان و تعویض تا حذف احتمالی شناسنامه، امروز رسیده است به فعالیت متفاوت مرکزی با نام «رصد جمعیت ایران». جست‌وجو در این مرکز که ۴۵سال جاری در طبقه سوم ساختمان شماره ۱۴سازمان ثبت احوال کشور راه‌اندازی شده، آمار و ارقامی دقیق و لحظه‌ای از تغییرات و تحولات جمعیتی کشور، پیش‌رویمان قرار خواهد داد.

رصد جمعیت، کجا؟

باید خود را به سازمان ثبت احوال در خیابان امام خمینی (ره) بعد از ایستگاه متروی میدان حسن‌آباد برسانیم؛ آنجا که اتاق تقریباً بزرگ مرکز رصد جمعیت کشور، میانه یکی از راهروهای باریک طبقه سوم ساختمان شماره ۴، محل رفت‌وآمد بسیاری از آماردوستان است؛ اتاقی با چندین ردیف از صندلی‌های چیده‌شده و مانیتری بزرگ در سمت راست که به‌صورت لحظه‌ای آخرین آمار از رویدادهای ولادت، ازدواج، طلاق و وفات را نمایش می‌دهد. این اطلاعات در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت از پایگاه‌های متعدد اطلاعات جمعیت که زیرمجموعه سازمان ثبت احوال کشور فعالیت دارند،



در فاز نخست فعالیت مرکز رصد جمعیت کشور، آمار فوری جمعیت در دسترس آزاد مدیران دولتی، رسانه‌ها، پژوهشگران و دانشجویان قرار می‌گیرد

کمرکش دیوارهای اتاق مرکز رصد جمعیت، تابلوهایی با عنوان اهم اقدامات سازمان ثبت احوال، آویزان است. روی یکی از تابلوها با فونتی درشت نوشته شده: «با توجه به قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، وزارت کشور ملزم به رصد مداوم تغییرات جمعیتی کشور و برنامه‌ریزی‌های ملی و منطقه‌ای است.

رصد جمعیت، چه خبر؟

زیبشتین ازدواج تا پیرترین استان

برخی اعداد و ارقام این مرکز، ویژه دستگاه‌های دولتی محسوب می‌شوند. برخی دیگر اما جالب و خواندنی هستند؛ مانند پرازدواج‌ترین استان کشور که از مجموع آمار ۳۸۲هزار و ۵۹۷واقعه ازدواج در سال ۱۴۰۲کشور، بیش از ۶۰هزار واقعه ازدواج در آن صورت گرفته؛ یعنی استان تهران! بعد از این استان، می‌توان از استان‌های خراسان رضوی و خوزستان نیز نام برد. اسامی «فاطمه» و «محمد» نیز از جمله پر تکرارترین اسامی انتخابی والدین برای فرزندان خود در سال جاری بوده است. پیرترین استان‌ها هم با فزونی جمعیت بالای ۶۵سال نسبت به جمعیت زیر ۲۰سال آن، گیلان، مازندران و تهران هستند. جوان‌ترین‌ها اما باتوجه به آمار، سیستان و بلوچستان و بعد هم هرمزگان و بوشهر شناخته شده‌اند.

تبدیل کنند.

مالک گرمابه باب همایون ازجمله گرمابه‌داران انگشت‌شماری است که چشم‌انتظار چاره‌سازی دولت و تخصیص وام و تسهیلات نمانده و با تغییر معماری میراث خانوادگی ۱۰۰ساله‌اش، برویای گذشته آن را حفظ کرده است. در معماری امروزی این بنا سربینه و خزینه حمام‌های قدیمی با بزرگ و دوزک‌هایی پررنگ و لعاب آراسته شده‌اند و کاشی‌کاری‌های قدیمی، حوض‌های فیروزه‌ای و تابلوهای خوش نقش و نگاری که مهدی‌عمانی در تزئین این بنای ۳۰۰متری به‌کار برده، حس و حالی نوستالژیک به‌وجود آورده که بسیاری از جوانان تهرانی و گردشگران خارجی را به شوق آب تنی در خزینه این حمام عمومی به‌محله باب همایون می‌کشاند!



حمام‌های ترکی پول‌های کلانسی می‌پردازند، ولی دست گرمابه‌داران ایرانی خالی است و از سر ناچاری یکی یکی در گرمابه‌ها را می‌بندند. درحالی که اگر وام مناسبی برای آنها در نظر گرفته شود، می‌توانند این حمام‌های موقت ویژه افراد فاقد شناسنامه، دسترسی به مکان‌های سوت و کور را به فضاهای تفریحی پرونتقی

لیف و کیسه کشیدن می‌گذرند و به دوش گرفتنی بسنده می‌کنند تا بیشتر از ۲۰هزار تومان برای‌شان آب نخورد. رضا جابرزاده که با شریکش گرمابه را اداره می‌کند می‌گوید: «دلمان نمی‌آید در اینجا رابیندیم، وگرنه در زمین ۱۰متری آن هر چیزی بسازیم، نفعتش چندین برابر است.»

رقیای ترکی

او که هر روز خروس خوان سحر به سر کارش می‌آید و روزش را در خلوت کسل‌کننده گرمابه به شب می‌رساند، از عزت و احترام گرمابه و گرمابه‌داران در کشور‌های همسایه بسیار شنیده و می‌گوید: «بسیاری از ایرانیان که برای گشت و گذار به ترکیه سفر می‌کنند، برای ساعتی مشت و مال و دلاکی در



زنگی رابعه تیموری روزنامه‌نگار

آتش گلخن‌شان سال‌هاست سرد و خاموش شده، از سردخانه، گرمخانه و خزینه هم دیگر خبری نیست. نور مهتابی‌ها هم تقدیری سست که حاجتی نباشد گلجام‌های شیشه‌ای را به زور موم و ساروج بر سقف حمام‌ها پچسباند تا نور خورشید را به خزینه حمام نتابانند. اغلبشان متروک و رها شده‌اند یا جای خود را به محلی پولساز و پررونق مانند سفره‌خانه و رستوران داده‌اند. تک و توک حمام‌هایی هم که در گوشه کنار شهر برای بودن خود غریبانه تقلا می‌کنند، از خیر برو بیای گذشته‌خود در گذشته‌اند و فقط چند دستگاه نمره دارند که نه‌جای برپا کردن بساط خانبندان و نوای ساز و دهل است و نه محل مناسبی برای اختلاط و احوالپرسی. به قول سیدمهدی سجادی‌نیری، رئیس هیأت‌مدیره گرمابه‌داران، از ۱۳۰۰گرمابه‌ای که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰فعال بودند، حالا حدود ۱۰۰گرمابه باقی مانده که حمام‌های قنبر و روشن از جمله آنها هستند.

گرمابه روشن با سرسختی در اواسط کوچه تنگ و باریک پشت امامزاده صالح(ع) جا خوش کرده است. مالک این گرمابه ۶۰هساله که هنوز از میراث پدری اش دل نکند، چند سال پیش سر و روی آن را صفایی داده و پاکیزگی دستگاه‌های نمره و نونواری کف و دیوارهای سرامیک‌پوش راهروهای حمام کافی است که تن به آب زدن را برای مشتریانش خوشایند و دلچسب کند. این پاکیزگی گرمابه همسایه بازار تجریش، حاصل زحمت آقا نراله است. نصراله صحرایی ۷۴ساله که ۴دهه از عمرش را به مشت

و مال دادن و کیسه کشی مشتریان حمام عمومی چیدر گذرانده، بعد از تعطیل شدن این گرمابه به محله تجریش آمده و به رفت و روب و پاکیزه کردن گرمابه روشن مشغول شده است. قدیم که اعیان هم برای نظافت به حمام‌های عمومی می‌آمدند، انعام کیسه‌کشی و دلاکی آقانصراله بیشتر از حقوقی بود که سر ماه از صاحب حمام می‌گرفت، ولی حالا انعام‌هایی که از شست‌وشوی پیرمردان نزار و تحفی روی حقوق ۷/۵میلیون تومانی ماهانه‌اش می‌آید، آنقدری نیستند که دلش را به آنها خوش کند. پرداخت ۶۰هزار تومان هزینه حمام برای بعضی از مشتریان گرمابه سنگین است، ولی افرادی مانند یوسف حاضردن این هزینه را بپردازند تا چراغ حمام محل روشن بماند. یوسف از کارگران قدیمی بازار تجریش است و امکانات خانه استیجاری که محل زندگی او و چند همکار هم‌ولایتی‌اش است، به یک اتاق، یک سرویس بهداشتی نمور و آشپزخانه‌ای نقلی خلاصه می‌شود. یوسف می‌گوید: «اگر در این حمام بسته شود، ما مجبوریم چند برابر کرایه ماشین بدیم تا خودمان را به حمام محله‌های دیگر برسانیم.»

در دسرهای گرمابه‌داری

مشکلات گرمابه‌داری برای پیرمردی که مالک یکی از گرمابه‌های جنوب شهر است، دل و دماغ گپ و گفت باقی نگذاشته، اما همسایه‌های او می‌دانند دل پیرمرد از کجا بر است. یکی از آنها که صاحب خواربارفروشی نقلی است، می‌گوید: «بسیاری از مشتریان این گرمابه کارت‌ن‌خوابانی هستند که بیشتر از آنکه قصد استحمام داشته باشند، دنبال گوشه‌دنجی برای نشسته شدن می‌گردند. آنها حتی پول استحمام‌شان را

مشتریانی خاص

از روزهایی که گرمابه قنبر با پله‌های باریک و فراوان به حمام اصلی محله امامزاده یحیی وصل می‌شد، سال‌ها گذشته و دیگر از حمام اصلی محل خبری نیست، ولی این بنای ۱۵۰ساله از دامن همسایه نامدارش دست نکشیده و سفت و محکم به تنه یکی از بن‌بست‌های حوالی امامزاده چسبیده است. زمانی که حمام دارای دو بخش عمومی و نمره بود رونق داشت. تون تابان، کیسه‌کشان و مشتالچی‌هایش در کار خود اسم و رسمی به هم زده بودند، ولی حالا با هزینه‌های بالای آب و برق و گاز امکان استخدام کارگر وجود ندارد. اغلب مشتریانی که برای استفاده از ۱۵دستگاه نمره در حمام را می‌زنند، کارگران ساختمانی، کارگران میدان‌های میوه‌تربسار یا مسافران در راه مانده‌ای هستند که برای کم کردن هزینه ۴۵هزار تومانی یک استحمام درست و حسابی از خیر

زمانی که حمام دارای دو

بخش عمومی و نمره بود رونق داشت. تون تابان، کیسه‌کشان و مشتالچی‌هایش در کار خود اسم و رسمی به هم زده بودند، ولی حالا با هزینه‌های بالای آب و برق و گاز امکان استخدام کارگر وجود ندارد